



تأملات فلسفی در زبان

گرایش و سواس گونه به زبان

مروری بر کتاب «حیوان زبانمند» نوشته چارلز تیلور

Guardian, 11 مرداد 1395 ساعت 14:12

مؤلف: جاناتان ری

مترجم: فاطمه رایگانی

چهل سال پیش، چارلز تیلور کتابی پیشگام درباره هگل چاپ کرد. این کتاب نشان داد که تیلور دنباله‌رو افرادی چون هردر است؛ هردری که زبان را «بیان خویشتن» می‌دانست. یک دهه قبل از آن او با انتقاد از روان‌شناسی پوزیتیویستی عنوان کرد: زبان اتمیستی یک علم طبیعی نمی‌تواند رفتار انسان را مجسم کند. در واقع احتمالاً همه دغدغه‌های عمده تیلور به اوایل دهه پنجاه برمی‌گردد. در آن زمان او یک کاتولیک چپ‌گرای کانادایی با بورس تحصیلی دانشگاه آکسفورد بود. آنجا جایی بود که او در گردبادی از اشتیاق به آثار ویتگنشتاین تازه‌گذشته گرفتار شد.

گاردین — همان‌طور که چارلز تیلور می‌گوید طی صد سال گذشته گرایش فلسفی به زبان تقریباً و سواس‌گونه شده است. این و سواس برمی‌گردد به عبارتی که لودویگ ویتگنشتاین در سال ۱۹۱۵ گفت: «محدودیت‌های زبان من به معنای محدودیت‌های جهان من است.» اگر حرف ویتگنشتاین درست باشد، زبان دیگر وسیله‌ای برای ضبط و انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه چارچوب تمام دانش و تجربه است.

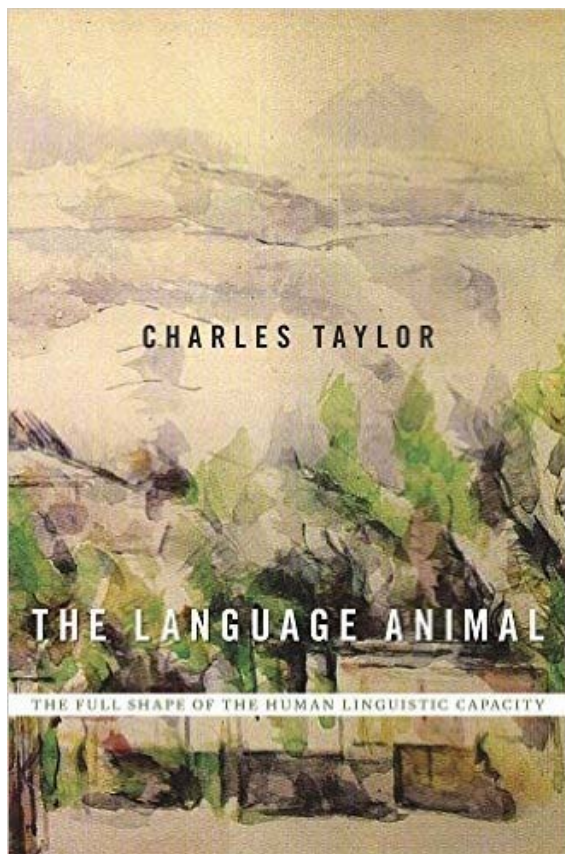
اما فلاسفه‌ای که از گفته ویتگنشتاین الهام گرفتند، نتوانستند درباره آنچه این حرف در ضمن خود دارد، با او موافقت کنند. از میان آن‌ها پوزیتیویست‌ها زبان را نقشه دقیقی از حقایق غیرشخصی می‌پنداشتند و هر چیز دیگری را به عنوان رتوریک، عواطف و خرافات رد می‌کردند. از طرف دیگر اومانیت‌ها زبان را نیروی خلاق می‌دیدند که به ادراکات ما پر پرواز داده و ما را در معرض ناشناخته‌ها قرار می‌دهد. ممکن است بگویید برای پوزیتیویست‌ها زبان به وضعیت علم طبیعی سوق پیدا می‌کند؛ اما برای اومانیت‌ها اساساً نوعی شعر است.

تیلور طرف شاعران را می‌گیرد و در کتاب اخیر خود با شیوایی و استحکام و بررسی گسترده تاریخی استدلال می‌کند. او با اتی‌پین دو کوندی‌اک آغاز می‌کند. کوندی‌اک پوزیتیویست پیشگامی است که گفت: «زبان زمانی به وجود آمد که اجداد ما از آواها و حرکات غریزی خسته شدند و تصمیم گرفتند ایده‌هایشان را به وسیله آواهای صدادار ساختگی به اشتراک بگذارند.» چند سال بعد اومانیت پیشگام، یوهان گوتفرد هردر، به کوندی‌اک به خاطر پیش‌فرض گرفتن چیزی که قصد توضیحش را داشت، حمله برد: «بدوی‌هایی که او می‌گوید، چگونه می‌توانند بفهمند که ایده‌هایی برای انتقال دارند، اگر تاکنون زبانی برای بیان‌کردنشان نداشتند؟» از نظر تیلور هردر درست می‌گوید: بدون پریدن از چرخه‌های مکانیکی محرک و پاسخ به یک سطح جدید، یعنی جایی که در آن زبان ما را قادر می‌سازد چیزی را آن‌گونه که هست دریابیم، چیزی با عنوان آگاهی وجود نمی‌داشت.

طبق گفته تیلور این بن‌بست به چندین تفاوت سرنوشت‌ساز دیگر منجر شد. اول این که کوندی‌اک درباره زبان اتمیستی فکر می‌کرد؛ با این تصور که ما در هر لحظه کلمه‌ای را انتخاب کنیم. اما هردر آن را کل‌گرایانه می‌فهمید؛ با این تشخیص که کلمات معنایی ندارند مگر به عنوان جزئی از شبکه‌های زبانی بزرگ‌تر. دوم اینکه کوندی‌اک ریشه زبان را در تجربه شخصی می‌دید؛ در حالی که هردر آن را اقدامی مشارکتی مبتنی بر اولویت گفت‌وگو می‌دانست. در آخر و از همه مهم‌تر، کوندی‌اک کلمات را برچسب‌هایی برای موجودیت‌هایی در نظر می‌گیرد که ما تاکنون توانسته‌ایم بشناسیم؛ حال آنکه هردر فهمیده که بعضی چیزها، مانند وفاداری یا قوانین یا وعده‌ها، اگر ما کلماتی از آن‌ها نداشته باشیم، نمی‌توانند وجود داشته باشند.

تیلور به دفاع از هردر در برابر کوندی‌اک، برخی از وزنه‌های سنگین فلسفه قرن بیستم را نام می‌برد: مارتین هایدگر، موریس مرلوپونتی و همچنین ویتگنشتاین. او بحث می‌کند که زبان رنگ‌بافته علوم طبیعی اگر در چشم‌اندازی رنگارنگ از عمل زبانی شخصی، پرشور و سرزنده قرار نمی‌گرفت، نمی‌توانست اظهاراتش را فارغ از جهانی عینی در اختیار ما قرار دهد؛ همان‌طور که تیلور می‌گوید، ما

نمی‌توانستیم یاد بگیریم رساله‌های بنویسیم قبل از آنکه یاد بگیریم صحبت کنیم. زبان در طول زمان آنقدری که از طریق نیروی روایی و استعاری رشد می‌کند، از طریق اضافه شدن کلمات جدید رشد نمی‌کند. نکته‌ای که ایده کلاسیک برابری مدنی آن را به تصویر می‌کشد، قبل از اینکه در سیاست‌های معاصر هویت‌های جنسی، مذهبی، فرهنگی و ملی پیچ بخورد، توسط انقلاب‌های فرانسه و آمریکا و جنبش‌های گوناگون سوسیالیستی متحول می‌شود. زبان جهان ما را تغییر می‌دهد، به‌طور خلاصه: زبان معانی جدیدی وارد زندگی ما می‌کند و قلمرویی را به رویمان می‌گشاید که خودش کدگذاری کرده.



کتاب **حیوان زبانمند** به بیانیه‌ای قاطع برای مورد اومانیزم در تقابل با پوزیتیویسم نزدیک شده است؛ اما خوانندگان حق دارند که آن را تقریباً کند و تکراری بیابند. تیلور اذعان دارد که کارکردن درباره این موضوع را سی سال پیش شروع کرده است و تنها چیزی که راهش را سد کرده، «خودقفاگی‌های متعدد» بوده است. این روش او برای اعتراف به این است که چندین کتاب دیگر در این میان نوشته است. برخی از آن‌ها در محدوده زندگی شخصی او باقی مانده‌اند، مثل مشکلاتی در باور کاتولیک و در سیاست‌های پیشرو کانادایی؛ اما بسیاری دیگر از آثارش شامل چنین عناوینی می‌شوند: گشت‌وگذار جسورانه در مسائل مفهومی و سیاسی چندفرهنگی و خود مدرن. اما در عین اینکه آثار او دامنه گسترده‌ای داشته، سلوکش همیشه از نگاه اومانیزستی‌اش به زبان نشئت گرفته است.

[کارهای] تیلور به‌وضوح سازگار است. چهل سال پیش، او کتابی پیشگام درباره هگل چاپ کرد. این کتاب نشان داد که تیلور دنباله‌رو هر در است؛ هر دری که زبان برایش «بیان خویشتن» است؛ در تقابل با کوندیباک که زبان را «حامل ایده‌ها» می‌دانست. یک دهه قبل از آن او نقدی بر روان‌شناسی پوزیتیویستی وارد می‌کند و در این باره بحث می‌کند که زبان اتمیستی علم طبیعی نمی‌تواند رفتار انسان را مجسم کند. در واقع احتمالاً همه دغدغه‌های عمده او به اوایل دهه پنجاه برمی‌گردد. در آن زمان او یک کاتولیک چپ‌گرای کانادایی با بورس تحصیلی دانشگاه آکسفورد بود. آنجا جایی بود که او در گردبادی از اشتیاق به آثار ویتگنشتاین تازه‌گذشته گرفتار شد.

تیلور یکی از فیلسوفان بسیار معقول و دلسوز معاصر است؛ اما پس از شش دهه، تنوعات رویکردهای اومانیزستی‌اش به زبان قدری تکراری شده است. ویتگنشتاین خودش نسبت به کلی‌گویی کردن درباره زبان به‌گونه‌ای که انگار موجودیتی است واحد، انتزاعی، یک‌شکل و منسجم، هشدار داده بود. او نگران پرشدن بازار از کتاب‌های بی‌مفهومی بود که کلمه زبان در عنوانشان به چشم می‌خورد. ممکن است تیلور حق داشته باشد که پوزیتیویست‌ها را برای اینچنین دست‌کم‌گرفتن شکوه خلاقانه زبان ملامت کند؛ اما ارزشش را دارد که یادآوری کنیم بعد از کوندیباک، آنان علاقه‌ای عملی به سؤالات فراتر از سطح روزمره یافتند؛ مانند اعجاب زبان نشانه یا زبان ناشنویان، مزیت‌های سیستم‌های مختلف نوشتار و مشکلاتی در تنوع فرهنگی و ترجمه. آن‌ها همچنین خود را در مسائل سیاست زبانی درگیر کردند؛ مانند استانداردهای زبان‌های ملی، آموزش ناشنویان و حتی تأثیر نام‌های خانوادگی مردسالارانه بر شکل‌گیری احساسات خانواده. این موضوع آخر قطعاً شایسته برگشتن به مسائل بحث‌برانگیز سیاسی است. پوزیتیویست‌ها ممکن است اشتباه کرده‌باشند؛ اما سزاوار تحمل این همه حقارت از سوی فلسفه نیستند.

اطلاعات کتاب‌شناختی:

تیلور، چارلز. *حیوان زبانمند: تصویر کامل از ظرفیت زبانی بشر*، انتشارات دانشگاه هاروارد، ۲۰۱۶
Taylor, Charles. *The Language Animal: The Full Shape of the Human Linguistic Capacity*. Harvard University Press, 2016

پی‌نوشت:

* این مطلب در تاریخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۶ با عنوان *The Language Animal by Charles Taylor review – how words change our world* در وبسایت گاردین منتشر شده است.

آدرس مطلب: <http://tarjomaan.com/vdca.onak49nwu5k14.html>

ترجمان <http://tarjomaan.com>